

نحوه و فکر چاره باشید

پیم دخول بکروب مودی در وجود کاینه سالم

نصرة الدولة میخواهد و زیر داخله بشود

مسموم خواهد شد

باید متشکرب بود که رئیس دولت تا دیروز همواره دوسته آن کاه را پس زده و هنوز حاضر نشده است که با آن کاه باید برز و هرباشنا نماید ولی این وظیفه ما و همه آزادیخواهان بلکه عموم مردم است که همه باهم هم دست گردیده هجوم نموده آن کاه را از دست دسته طرفداران نصرت الدولة مفا گرفته بزمین زده و با پای زمین خورده آن کاه را بریزیم بنجایم اگر نکنیم چه خواهد شد؟ چیزی طول نمی کشد که نصرت الدولة را در وزارت داخله خواهید دید با دست نادرستی حکم ما مورث تمام نادرست هارا برای حکومت تمام

چند روز است که کاه بر از زهری را و کلاهی طرفدار نصرت الدولة بدست گرفته و تا نزدیک آب مستوفی المالك برده باو باصرار تعارف میکنند که از آن کاه بیاشامد زهر آن کاه عبارت است از خواستن مقام وزارت داخله برای نصرت الدولة است ... حفظ کند؟ فردا است که اگر آن کاه زهر را رئیس دولت حاضر بیاشامد يك سرایه اول تمام موجودیت هوار نور و نزدیک وزارت داخله مسموم و سپس تمام هیئت دولت و در نتیجه تمام دوائر دوائی زهر آلود گردیده و باطنیعه سر تا سر مملکت

صفحه ۱۳

بعد از این باید همانند هیچکس مردی

هرکسی از هر خود زنداست و دارد زندگی

چون تمام بدن جا می رسد شت زدنش با دست اشاره به سفت سینه نموده و کاه را در آوازه با پیچ ایران زمین به جرافها و در لک از سفت فایب می آید و روان زدنش با دست با اشاره نموده و بکلام خود ادامه میدهد

در همین کم واره خفته نطفه آینه کانی

نطفه این مردگانی را که پنی زندگان

از همین کم واره تا چند دگر فرزندان

سر بر آرد سر بر ایران از ایشان سر باند

بعد از این اقبال ایران را دگر آسوس نیست

لکه در سر نوشت کشور سیروس نیست

من ابراهیم ایران یاف غالب شدم

حافظ ایران بود بزدان و من غالب شدم

شت زدنش در پشت همان دیوار که تجلی کوه غالب میشود در سرتابه دیوار بجای خود بر می گردد و خلاصین هم پس از مدتی حیرت و شفت در دیوارها بچشمش می خورد و آنها بنام شده بودند رفته بحالت اول خود باز گشته بودند تا به بدمشوند و خبر دشت ام آهسته آهسته در تیر خود جای میگیرد در این بین میزاده شتی از خواب برخاسته با یک وحشت و تعجب مملی این ایات را میخواند

نقطه دور و نزدیک این مملکت مضاف

میکنند

غریب بلای است؟

عجب این دست شکسته بال

گردن بکمر نجیب این جامعه بدبخت دیده

خیلی عجب است که با دست

شکسته هم نامسار از پادر در نیاید

دست از سرما نخواهد کشید

و عجب ترین است که با ابراجان

بد آفت ندارد یعنی در اتمام زماناری

قوم السلطنه این خیال مدخل

دو کاه ایشان چنان است

بعد از قرن که از ادینخواهان موفی

بتکثیر یک کاینه سالم و صالحی گردیدند

ایشان به این خیال افتادند

خانواده فرمانفرما عجب آفت

بزرگی برای ایران شدند

از افسانه کوه های قدیمی شنیدیم که

دایمی اژدهائی در کنار شهر می مسکن

میکرفت اهالی آن شهر از ترس بنام باج

همه روزه یک نفر بدبخت را به نزدیک

او برده وار آن بیچاره را می بایید

و با همین صدقه اهل شهر از هجوم تعدی

آن اژدها ها این بودند در این

هیچده ساله عمر مشروطیت دولت

ایران برای جلوگیری از آزار فرمانفرما

همین رویه را پیش گرفته بود یعنی

بان کرک پرده هاله حکومت گرمانشاه

و یا ایالت فارس یا اجازه چاقول بر جرد

و غیره را میدادند که بوسیله این صدقه

از شر این اژدهای اجنای این باشند

مقتضای این اردها چندین انی

وجود آورده نصرت الدولة - سالار

لشکر - محمد علی میرزا - و ... دولت

ایران این چند اژدها را چگونه راضی نماید

از همین قرار باید بدبختی مات ایران

را که این چند انی را در سینه جا

داده مقابله نمود

من گاهی که نابونی رادر معابر

می بینم در قالب خود میگویم خدایا

آیا يك روز میشد و وثوق الدولة

دعای از اقای قوام السلطنه

مؤمن السلطنه قنول بغداد در کاینه شما بطرف بغداد حرکت کرد البته منصوب شدن ایشان رسمیت داشته در صورت رسمیت تکرار رسمی بودن مشارالیه را توسط سرپرست کاکی یا ملک فیدل مغایره نموده اید؟ در هر صورت البته بجهت رفع شبهه جواب خواهد داد چون يك زمزمه هائی در اطراف این قضیه و تصدیق حمایت انگلیس در بین انورین نیست شما هست که ناچاریم حقیقت را بگوئیم و بگوئیم که ایرانیها که اکثر جنایات شخص شما در بین انورین چه فنیجه داده و چگونه مقامی را حکمه ایرانیها در بین انورین حاضر بودند امروز فاقد آن شده اند و مدال کلیم که سبب شخص جناب عالی بوده اید

بموجب کاغذهای که از بین انورین رشیده و شرحی از تفرق هریرا از ایرانیها و بد گفتن به دولت ایران و ایرانیهای هموا و به شخصی شما خصوصا در اشعار البته خواهیم نکاشت

(سپید حسن شیخ نجفی...)

...

اقای افسد حسن از این آفتابی که شما سؤال فرموده اید مطمئن باشید جناب ایشان چون پول دارند و پول خرج میکنند و پارسی دارند ذغال را سفید و مانند راسپاه معرفی خواهند کرد ...

در جواب حضرت عالی هم اعلانیهای مفصلی در جرائد منتشر خواهند نمود و ضمنا باشباه کاری کاری خواهند کرد که بایشان در موضوع این جناب مهم ابرادی وارد نشود و سر پرست کاکی و دولت بیوفا اونیز از او راضی خواهند قرن بیستم

شود يك سر بیه روی آن خواهد جست آن روز است که آبادی و هم چانه های فرمانفرما هر يك ولایتی مشغول حکومت و تعدی و انتخاب کاه ایسه های این خانواده مودی برای کرسی های مجلس ششم خواهند بود

نصرت الدولة تمام دسائس و محکم کاریهای خود را در این چند روز اخیر بعمل آورده است خطر تا نزدیکی درب وزارت داخله رسیده است

بدبختی تا آشنایه خانمان این ملت پریشان قدم گذارده

اینها همه را کفتم اینهم نکته نگذارم نصرت الدولة هر چه انتریک بکند و کار گران او هر چه زحمت بکشد محال است بکند و او در کاینه مستوفی الممالك وزیر داخله باشد

اگر کاینه مستوفی الممالك سوط کند بهتر از این است که نصرت الدولة اش ذو کاینه و برده شود

سرمیرزاده شتی

و یا قوام السلطنه را در این جمبه های حبس اندی به بنر ولی هجرت آرزو نمی کنم که فرمانفرما را در آن صندوق های اسرار عدم زیارت نمایم

چه که فرمانفرما تازه وقتی مرد چار پنج فرمانفرما برای آزار روح و هلاک استقلال این مملکت از خود یاد کار گذارده است ولی وثوق الدولة و قوام السلطنه خوشبختانه هیچ کدام اولاد جانشینی ندارند و هر روز مردند آرزو روز خوشبختی و جشن شهادت این مات چند بار فروخته شده است

آری فرمانفرما يك بلای بردناله است تازه وقتی مرد نصرت الدولة هست سالار لشکر هست شاید آنها هم وقتی اژدها شدند مانند پدرشان چندین انی بوجود بیاورند الحاصل پس فرمانفرما اژدها يك با آن چشمهای درشت سیاه که قسمت اعظم سیاه روزی مانده آنها است چند روز است شب و روز بستاندای وزارت در غله خیره شده و اگر اندکی غفلت

بمناسبت ۳ حوت

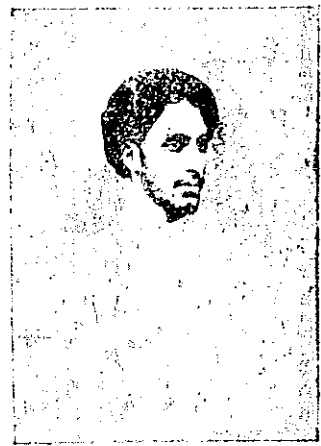


احساسات من

نعمت به سید ضیاء الدین

ایمان یگانه‌گی پیدایش نباتات و حیوانات بقیده برخی از فلاسفه آلمان و فکر دیباچه از ارواح فوق العاده کان و تقدیر آقای آقا سید شاه الدین

چو این منظومه آفاق سرزاسر منظم شد
روان فرمود از انوار انجم بر زمین روسی
بد آن روح محوی سایه از بر شو زدان
بس از تولید اجسام نباتی در بن دریا
چو اشک آسمانند او شد چشم زمین روشن
بس از تولید اجسام نباتی سر زجوان زد
تجلی آورد در هر عضو هر کون جانور آخر
همین سان تا بحد جانور های دوبا آمد
کشد از چنگل و از غار بیرونشان یکدیگر
سپس کرد ایشان در مفر هر پر مغز انسانی
بجواب دارپوش آمد بریشان شد خیالاتش
قرن در قرن دارا شد بدو قرین اسگندر
هم او در شده توشروان و نوشین شد روان او
سپس برد از حرم زد کردی حرمت شاهی
فناد اندر سر پر شور برخی چنگل و زان
چون نظام کشت و باغ ها کشت از او ظاهر
چنان کان بل زجوانی سلطانای مصمم شد
ز تائیدات وی بر همگان طود مقدم شد
بهر مات که پیدا کشت از آن چ فنا کشت شد
کدون قرینی است از این که شده است این روح کین کونه
مرا از در اسباب از بعد آن که غیبتش ایران
بی تجدید فیروزی نسل پاک ساسانی
مهرین سید ضیاء الدین طبعه صدر اعظم شد



شد از اندر شجاعت آن کز او در مانده ششم شد
تاهام این طلیب اجتماعی راجه و زمان بد
من از محلات ایران را چشم خویش میبدم
ملک محکم سرزد قدر تو حکم رای را داند
توفیق احاطه ساقی به فوق آمده کن بکسر
چون تازیانی ایران شد ز تاریخ توانی
که می پنداشت ایران را به نظم سازد ایرانی
به بین عشق که هر کایه را آخرین نمود اینک
این منظومه دارد زمان زمامداری آقا سید ضیاء الدین سرور و در همان اوان
چو این قرن بیستم بخور مننه کے منتشر میشد برای اینکه به خلق فرس نشود از
درج این منظومه در آن ایام خود داری هر دم دل اینکه که سید ضیاء الدین
فرستاد از طهران مورد است با کمال میل به نشر آن ساد و ث جسته و نهایت علاقه
خود را نسبت به شای اعلان و این بگانه مدحی است که من بزبان قلب در محرم گفتم



در البشورای ملی

خلاصه ۳۰ حوت ۱۳۰۱

زیارت آقای مؤمن الملک جلسه تشکیل و صوت جلسه يوم قبل فرائت و بابائی دو قسم اصلاح تصویب کردید بدو آقای دار منظم کردستانی ملکراف واصله اسفند با در ادبانی بر شکایت از مظالم و تشذبات حد ویدما گری های آنان برض مجلس رساله و ضم نامه مختصری ارببی نرفتمی هدایه آسان بیان کرده

آقای باون وزارت خارجه متقاضی کردند شهریه های مستخدمین وزارت خارجه جزو دستور شود

آقای شیخ اسداله مخالفت نموده و راجع به تدبیر نرفتمی دستور جلسات مجلس اظهاراتی نمودند

آقای معاون اظهار داشتند که سابقا شهریه های مستخدمین وزارت خارجه جزو بودجه وزارت مالیه بود و بعد جزو بودجه خود وزارت خارجه گردید ولی شنبه و متن اعتبار الله مصوبه وزارت خارجه قیوده و

نصوب شده است و خود آقا شیخ اسداله در آنوقت عضو کمسیون بوده و مصوبه هستند

شاهزاده نصر الدوله در سبب اظهارات آقای معاون توضیحاتی دادند و بالاخره

بالوجه شهرین فکاهی جواب آقای شیخ اسداله را قیوه برای دخول فروردین رای گرفته و تصویب شد

آقای شیخ اسداله سزایانی از آقای معاون نموده و جواب ایرادات ایشان باز گفتند

آقای آقا سید عبدالوهاب مقیده داشتند که ابتدا بایستی مجلسی از برای ان تهیه نمود و بعد تصویب کرد

آقایان دست غیب و حاج میرزا علی محمد و شیخ الاسلام مواظت نمودند

آقای محقق العلماء پیشنهاد نمودند که بقیه مذاکرات بشبه آتیه موکول گردد و اظهار مخالفت نمودند

ماده واحده بدین مضمون قرائت کردند که مجلس پرداخت ۴ و ۶۸۷۴ تومان

حقوق نقادین را به مستخدمین وزارت خارجه که در ماده ۶ مصریح شده از هذا لایه ۱۳۰۱

نصوب میشود و دارالدکان این حقوق از اول حمل ۱۳۰۲ مشمول قانون استخدام خواهند بود

پس از قیاد نظر آقایان مخالفین و موافقین و پیشنهاد آقای معاون دایر باضافه مبلغ ۱۹۵ و ۳۲۸۷ تومان بر کسر حقوق صاحبان انظم پنج گانه که حقوق ایشان کسر شده ماده واحد پیشنهادی کمسیون را

با جزئی بنمائی مجدداً قرائت و باورقه اخذ رای شده و باقریت ۵۹ رای تصویب گردید

آقای منصور السلطنه تقاضا کردند تا قانون استخدام قضات بغوریت بگشیمه ان تصویب گردد و این موضوع اخذ رای نموده و تصویب شد

آقای اقبال السلطان تقاضا نمودند تا لایحه تشکیل خزانه داری جزو دستور شود و آقای صدیق حضرت هم اظهارات ایشان را تائید و تقاضای فوریت ان را نمودند

سپس اخذ رای نموده و تصویب گردید آقای رئیس مذاکرات در تکلیفات قانون تشکیلات خزانه داری است

آقای شیخ الاسلام مواد انرا قرائت و نظریات خود را راجع به آن ها اظهار داشتند

آقایان محمد ولی میرزا و صدیق حضرت توضیحاتی داده و ماده اول قرائت کردند چون مخالفی نبود رای گرفته و تصویب شد

ماده دوم قرائت و آقایان حائری زاده و تدبیر با تفویض مقام خزانه داری بیک نفر آمریکائی مخالف بوده و مذاکراتی در اطراف این ایراد بعمل آمده بالاخره

بر حسب پیشنهاد آقای تدبیر ماده پیشنهادی کمسیون بر سه ماده و پنجاه و هفت فقرات عبارت از استخدام آمریکائی تا زمان تصدی

د کتر مجلسی باشد قرائت گردید و در این وقت مجلس ختم شد

اخبار و حلقه

اوضاع جاریه

هیئت وزراء

قبل از ظهر پنجشنبه آقای رئیس الوزراء به هیئت تشریف آوردند و وزراء مهم متدرجا از وزارتخانه های خود آمده اجلاس تا نیم ساعت بطروب امتداد داشت

حقوق نظامیه

بطوریکه اطلاع حاصل شده است حقوق اعضاء نظامیه راروسای نظامیه دریافت داشته اند ولی بواسطه کثرت مخارج خود خود شان بالغ نموده اند

ورود و بدرگز

آقای ظفر اسلام که چندی بود به لبنان طالبات تشریف برده بودند روز دوشنبه کشته بدرگز ورود نمودند

اعزیه او اشکنان

بر حسب درخواست آقای علانی آقای مهدی الدوله رئیس قلمی کابینه وزارت خارجه به مستشاری سفارت دولت ایران در واشتنک منصوب گردیدند

حرکت

آقای میرزا علی اکبر خان آگاه رئیس خط مشی کرمان شاهن قووه نو که از اشخاص جدی و وظیفه شناس وزارت فوائد عامه است چون چندی قبل برای انتظیش خطه زندران بدرگز اخبار شده بودند پس از آن انجام ماموریت و تقدیم یک سلسله راپورت وزارت خانه صبح پنجشنبه ۳ حوت ظرف نوزده حرکت نمودند

صفحه ۱۴

میر زاده عشق

آنچه من دیدم در این قصر خراب

بد به بیداری خدا یا یا یا بخواب

باد شاهان را همه اندو هکین

دیدم اندر ما تم ایوان زمین

ننگ خود دارند مان اجداد مان

ای خدادید بکسر برس بر داد مان

و عده زر نشت را نقد و کن

دید عشق خراب و نو تعمیر کن

برده می اند و ایرت نام میبند

اغلاط اپرا

حال احداث ملک خود بین غلط
مال اسارت ملک خود بین صحیح
کول خسروان عالم بگرفت غلط
کول خسروان عالم بگرفت صحیح
آیه بیداد دمی داد دم می غلط
آیه بیداد دمی داد دم می صحیح
از اشخاص که در این دنیا کشته می شوند و در این غلط و در این صحیح

اخطار اداری

تقاضای مخبر

نظر به و مناسب این جریده دولتی
مخبر اداره آقاها که داوطلب برای مخبری
این اداره میباشد با تخیل شراستی که در شهره
های قبل ذکر شده انتشار می یابد و در این
درآمد تا با شرایط لازم اعتبار نامه مخبری
جهت ایشان از سال گردد

زمان پاورقی

اشخاص که در زمان های شهرین اخلاقی بوده اند
که با تمام سوسنالیست موافق باشد جهت پاورقی
این جریده ارسال نماید درج آن میادیت
شده و از این معافیت قدر دانی خواهند شد

اخبار خارجه

۲۲ فوریه ۱۹۲۳

(شورش دمافین)

مکوه - در بعضی از قطعات محال
لیدسک واقع در اراضی اهلستان دمافین
محلی که از نژاد بلوروس معتقد برهائی
ملاکین و مستخدمین دولتی و سربازان و
مهاجرین آلمانی ناآرامی شروع را مشتعل
ساختند دستجات شورشی استانی برای
مجازات شورشیان اعزام گردید یک قریه را
اتش زده و در شورشهای ابدان و جمع زیادی
را دستگیر و توقیف کردند

مهاجرت کارگران روسیه

پتسک ۱۶ - اخبار مشاهده میشود که
مهاجرت کارگران روسیه رو با افزایش گسترده
و علت آن تبعیضات و فشاری است که کارگران روسی
اهلستان نسبت به کارگران معمول میدارد

(مهاجرین سیاسی)

نولان ۱۶ - در مجامع عمومی کارگران
و مستخدمین اعلا به تبعیت مهاجرین سیاسی
که از محاسن غرب روسیه وارد میشوند
جمع آوری میگردد

(بازار ماکو کیف)

کیف ۱۶ - حاله رابطه محکم بین
بازار ماکو کیف و ممالک خارجه برقرار
گردیده است و متجاوز از پنجاه تریه
تجارتی و ممالک خارجه در بازار ماکو
محلی برای خود تحصیل کرده اند

(در ناحیه رود)

لندن ۱۵ - وضعیت رود به سرعت
خراش میگردد و با بگرفت نسبت به فراسه با
وجود اعمال فاشا ر و تفتیقات ادامه دارد
نیرکی اوضاع که در رود مشهود میگردد
در جریانات پارسی نالیرات خود را می
بخشد

(توقع مساعدات)

برلین ۱۵ - در گرفت مساعداتی بین

خلاصه مگاتیب عدیده از همدان

از قرار مگاتیب وارده حکومت همدان یواد ایام استبداد باره عملیات می
نماید برای اسفاده مشغول آذربایک - ما بین اصناف بوده و محال در آموزشات
حقونی با مهر (اجرای حکومت) احضار میفرستد بهرهم انکار می نماید در
کابینه قوام السلطنه شروع باضیقات آزادیخواهان نموده بود و اهالی آنچه نظم
شکایت میکردند ابتدا ترغیب آفری داده نمیشد امید است آقای مشاوره الممالک
که عزم از قبول مقام ریاست وزرائی ایشان خوش حال هستند شکایت منظمین عطف توجه
نموده مقام دست قشاده کابینه ارتجاع را از سر اهالی همدان رفع وجهی واقربین
آرایش بفرمایند وضعیت سایر دوائر دولتی در شماره آینده مندرج خواهد بود

یکشنبه در تاتر

در طهران

۱ -

میل داریم قبل از شروع به تریف و
نشریح شب مذکور یک سؤال بنمایم :
برای چه اسم این بنا را (کراسنودل)
نهادند ؟

آیا مالک این عمارت فرانسویست ؟
با این شهر یکی از شهرهای فرانسه است ؟
یا اینکه اگر اسمی آینه شهرها و اشخاص
را فرانسه بگذاریم آن بنا معینر وان شهر
آبادوان اشخاص بزرگ میشود ؟

معارف هرمت و مملکت نمی میکنند
بقدر امکان لغات مال اجنبی را استعمال
نمایند .

در موقع اخبار تغییر میکنند و عین
آن گاه را استعمال نمیکنند مثلاً روسها
(پورتره) را پور تر و (سالت) را
بالتره میگویند .

ولی ما بعد از اجنبی پرست و بی تعصبیم
که گاهی لغات عرب را غارت کردیم و
گاهی کلمات ترک (هجوم) آوردیم گویا
اکنون اوبت فرانسه است .

باری خارج از موضوع اصلی ندیم
معمود بنده فطرت بوده نه غیره و در یکی
از جراید خواندم : امشب تیاتر داده می
شود و مخصوصاً نوشته شده بود (شب خنده)
و همراه که اوضاع نا آوار و طرران ملول و
آزرد کرده بود مصمم شدم شب را بپایان
مزبور بروم .

این اولین مرتبه بوده که من در طهران
بپایان میرفتم (

در سر ساعت معین حاضر شده باطل
طریقه داخل فطرت شدم

(۱) پرده سحنه که پر تمام عالم معمول
است دود بلند پرده دوی و پرده کدر
نقش ها انداخته میشود در اینجا پسگی
بیشتر آید .

(۲) پرده روی که باید از زندگانی آن
کشور و ملت منقش باشد پشت درهای بی
معنی روی ربطه بوده .

پایس و بیکاران ویداده
(در اطراف انفال رود)
لندن ۱۵ - روزنامه و - - - - -
بولادو را که قشبه انفال رود هیچگونه
الایمی نخواهد داد به تشویق انسانهای
ایران مقاومت تغییر میکنند مطبوعات پاریس
عدم موفقیت قضیه رود را از انگلستان
میدانند

(روسه وایتوار)
کراسنودل ۱۵ - امروز نماینده مختار جدید
روسه ساوئی رفیق اگر و اگر یک اعتبار نامه
خود را تسلیم داشت .

تجایع فرانسه ها
اتر ۱۱ - در ناحیه میدون فرانسه ها
فراء عماسی را اتش زده و اهالی صاحب
طلب را توقیف میکنند در جرایم اتره
اسامی همدان ایاقیرا که اشغال کنندگان فرانسه
چشم اوارا کرده اند اتره میکنند
مصادرات خونین

برلین ۱۵ - در گاسرک (واقع در روسی)
مصادرات خونینی بین کمونیست و پلیس
رویدادزار اگر و اگر است ها میخواستند مجلس
مشاوره شرکت کنندگان در جنگ را ملحق
سازند

(مصادره قرونیکی باندیند سپاه پستان)
مسکو ۱۷ - اخیراً شرح مصادره که
بین رفیق تروتسکوی (بال ماکو) امایند سپاه
پستان رویداده در جرایم انتشار یافته است
در جواب سئوال ماکو راجع باقدمات جاور
گیری و مبارزه بر علیه استفاده سپاه پستان
برای جنگ های امپریالیستی رفیق تروتسکی
اشعار داشت که استفاده این نژاد ها
بمانان قوای جنگی اشرف دنیا نقشه ایست
که سرمایه داران از روی مطالعه برای اطلاق
جلیش کارگری طرح کرده اند برای عقبه
کشاردن این نقشه لازم است که مبارزه
شدیدی برای از میان بردن تصورات موهوم
نژادی و تبعیضات مغرط وطنی که هنوز
در بین کارگران سپاه پستان وجود دارد
اروپا و آمریکا وجود دارد بعمل آید

(ایران)
طهران ۱۸ - روزنامه طوقان رویه کج
و مقابین خود را نسبت بر سر سپاه ساوئی
تجدید نموده است لیکن گاهی از موقتیت
این روزنامه موایم بحران اخیر کابینه قوام السلطنه
اطلاع دادند این قضیه را ناشی از مقاصد
و رضایمی میدانند که در ایران هر روزنامه
باقتضای مدودی باید در آن مقاصد
بمبارزه و کار کند - عافان دانند قرن بیستم

مدرسه نصرتیه
نظر به علاقه و امید واری که بتعالیم
و تربیت انسان داریم چندین قبضه تحقیقاتی
از مدرسه نصرتیه واقعه در خیابان اسمعیل
را از نمودیم و بحال مدبره معتزله اش
میل و وقت کردیم این پیچره قریب یازده
سال از مال خود خرج کرد و برای
نوع خود و احراز ای مقیاده ثابت
از حق ساقط شده و کسی با اومه اوقات
و مساعدت نموده حق وزارت معارف هم
نظر قدر و همراهی را مقایسه کرده است
بناطور جدی مساعدت وزارت معارف را با ان
مؤسسه علیه جلب می نمایم اگر این
معمود و مدرسه از میان بروند جای کمال
ناقص است منتظریم اقدام و ثابت بخش
مجلس با ان مدرسه بشیر نمایند
خیلی از خاتمه رفت زاده بشکر می
گویم که در ان مدرسه مجا نا تدریس می
گردد و نمی گذارند منحل شود

زیرت از کباب
روز در قریه ریاب یک سفر سخی اسناد
نشین باغچه سید میرزا علی قیام برادرزن
شورش را ضرب گارد مقتول و فرار می نمایند
از روز جنازه سید را بدواً الحکومه آورده
از دلمای محل اراک داده و برای دفن
در ریاب بردند

خوی
حسب الامر و نصیحه اولیای نظام که
تدریس شده بود دهانت بعداً و غارت و محروبه
شده انتالی اسمعیل آقا را زمین و مشخص
در مقامات عالیله پیشهاد شود چند روز است
از معازم زین اهالی انتخاب و کمپونی
کمال داده مشغول تحقیقات و تفتیش و روشن
سرت جامی بوده امروز با تمام رسانیده
مطامین مالیه محل از سامان نزد امیر

صفحه ۱۵

اپورت

نمایش تمام آهنی

چچه کد او دکتور نیکو کار

قرص از این نمایش جسم کرده استند های خوب ابرایش که در
تجیه نبودن تعلیم اجباری بعدی و حته بازی و رفتار سرف میشود و در
برده دوم نشان داده میشود که ممکن است استند های که در کارهای
زشت تر می کنند آنها را از این کارها باز گرداند و در کارهای زیبا
با آنها تزیین داد

اشخاص

فرماند کاشی
بچه کد
نقاش
چال
پوه لان که شغلش کدافی است
داش مشق
دکتور نیکو کار
شیفته خانم
ماور حکومت
ازان
خاک کم کرده

برده اول

سن در کوچه است برده بالا می رود قریب بالای باباس و عمامه شهر
شگری دیده میشود بچه کدافی بن شا نروده سالکی (خپلی فتنک)
در نزد او نشسته است

(۴) در بالای صحنه امثال از حضرت بود در حالیکه صورت اعلی حضرت با تبار هیچ تاسیسی ندارد.

من پیش از ورود به تبار با خود فکر میکردم: بقیاندر روی پرده صحنه خرابه های تخت چشمه ساخته شده و بالای صحنه که قافله آباد صورت و وجهه یکی از تبار نویس میباشد و چون ما تبار آنوس ندیشیم مجسمه چند نفر از استادان صنایع مستظرفه است از قبیل روی کی که دارای دو جنبه است شاعری و موسیقی دانی و حکیم فردوسی و استاد اعظم بهرام قنات مشهور قرن شانزدهم ایران.

خلاصه آنهم جای گرفتن و توجه افغانان حضار شد.

باوجود اینکه در راست و چپ و جلو و عقب فاش و از دیوار آویخته بودند اسامی و خطاطات متنوع است هیچکس از اسامی و خطاطات خودداری نمیکرد و در پنداره و وارثان کرده بود که ناسی غیر ممکن بود نشستن با اکثریت از آن شوخی های این مزه بی نیک و بی موقع کدر کوچه ها - بازارها - قهوه خانه ها - مراکها سایر مجامع است این شهر اول است می کردند و در و ما تخته می کشیدند.

غافل از شمر حضرت سعدی که میفرمایند خوردن برای زیستن و کار کردن است او معتقد گزینستن از بهر خوردن است من تعجب میکنم این ملت برای خوردن خلق شده در خیابان مینور رفت در کوچه میخورند در مسجد میخورند در میخانه میخورند و جرجها خاموش شد و پرده بالا رفت یک هرج و مرج روی نموده که مافوقش تصور نمیشود.

اشخاصی که عقب بودند و جای خوب نداشتند جای دویده وصف کشیدند آن وقت عینی حالاد من زدند: افغانان بشنید جاویدا بشنید چه درد سر بدیم تبار شد مثل همان مرا که اوطی غلام حسین و بلکه بر فرزند اوطی غلام حسین بایک طرز مخصوص مردم را می نشانند و لکه می دارد ولی اینجا کسی نمیتواند نگه داری ساکت بنماید عجب تر اینکه در انانی بازی در میآید صحنه را اصلاً باز میکردند و روشنایی مایم نمایش میشد.

حالا خوب است چندکله نیز از بازی (تبار) صحبت کنیم.

چون پرده بالا رفت بنده متوجه بازی شدم دیدم پاندازه غیر طبیعی مصنوعی است که به هر وجه جالب توجه نیست و اسلا اثری نمیزند غرض بنده این بود که تبار در فرنگ بیستم در چه حال است.

هر سینه میدانم هیچ نیجه می ندارد جز اینکه یک عده اشخاص که گوش انداخته برای شنیدن سخن های راست اندازان و رنجیده و ملود بشوند.

رسم از نگی

تبار

قطعه

جواب قطعه نیک در جریده قانون اثر طبع شاعر کیم نامی به نام جواب قطعه شماره گذشته ما درج شده بود

کفنی که زن نجیبه میباشد
آن زن که انجبه است با کسی
هر جا که رود نوبه باطن پاش
وان زن که او نه بود بر عکس
نسا پای برون نه در خانه
هم عصمت خود دهد به رفتن
آن به که زن او نه خانه
در خانه نشسته بکسم خرو شد
از خانه بیرون می نچو شد
در حفظ خود او نگو بگو شد
پند و سخن نو آن ایو شد
چون جمله سحر آه آن چه پوشد
هم آبروی نو را فروشد
نشدند و طون دل بنوشد

نخل

سرپرست استیاب بدبختی ما آماده کرد
می کشد این مردم آخر زانکه دست انجبه
آن مدافع از حقوق الدوله اندر پادمان
الحق اندر دوره جرم حقوق رنجبر
چون توأم اساطره در مجلس شورا نشست
از گناه هرزه شد افزوده بلای وطن
شادباش آزاد خویش عاقبت کرده در
خون مارا آنگاه اندر شیشه جای باده کرد
از خراسان انتخاب اورا از آینه کرد
.....
حفظ در مجلس همین شهزاده آزاد کرد
ای به بازی کری بادوا حق داده کرد
.....
خون مارا آنگاه اندر شیشه جای باده کرد
(عالم آزاد)

مریضخانه بلدی

چند روز قبل بمساعت یکی از دوستان محترم اتفاق از کنار مریضخانه بلدی (واقع در خارج دروازه باغ شاه) دیدم که وضعیت مرتب آن عوطه که از خارج در مشاهده میکردم بدین برای نشای اینجا حسن کجکاو مرا تحریک کرد

مساعت در راهدانی مناسب خود از دوازه رفیع آن مؤسسه جان پیمش وارد راهرو حیاط وسیع آن گردیدم

در سمت چپ راهروایان و یک اتاق بسیار پاکیزه دیده میشد
پرسیدم این چه اتاقی است
رفیق من گفت اتاقی مدیر است

فورا شیخ محترم را اورا جناب می گفتند با دایب و خوش رویی از آن اتاق برای ملاقات ما بیرون آمد سلام کرد دست محبت بسوی ما دراز نمود قهقهه او حاکمی بود که بخواند از سالت و رو ما سوال کند اما مرا اسم ادب او را اجازه نیدم من قبل از سوال بجواب او مبادرت کرده گفتم آقای محترم میخواهم این مؤسسه ای را که از عواید مستقیم ملت و برادران عزیزم تاسیس و اداره شده است به تفصیلی دیده باشم

آن شخص موقر بدون تعال استدعای مرا پذیرفت برای راهنمایی در جلو حرکت کرد و ما گفت چه ضرر دارد و بفرمایند

اتفاق وارد حیاط معنی یک باغ وسیعی که از طول آن یک نفر علو از حفت سبک آب عبور میکرد گردیدم

برای اظهار تشکر قلبی خود دفتر دانی اجازه میخواهم تاسیسات و پاکیزگی اینجا را بطور اجمال شرح دهم

سمت دست چپ در بنای غیری انجا ابتداء رسیدیم با طاق ملاز و مات که آن اطاق تقریباً وسیع و عمیق بود از چندین توب قماش دوخته و در وسط سفید که با نهایت نظافت در سطح اطاق دیده بودند

ملازمه جنین جفت گشت نو و بسیاری از اشیاء مختلفه دیگر در گوشه اطاق بود و کشته از دیوار آویخته بودند و در هر طرف در آن اطاق حاضر بود از اجزاء گذشته بشیر خان رسیدیم یک عوطه وسیع مسقف با اجزای خیلی مرتب و وضع پاکیزه برای طبع غذاهای ناخوشها و یک اطاق بسیار خوب برای تقسیم کردن غذاها مشاهده شد چون موقع غذا خوردن ناخوشها بود جنین قسم ماکول ایکو شد گرانته - چلو - شیر برنج - فرنی و بعضی خوراک های دیگر در در بشقابها و کاسهای نظیف بتقسیمات یکفری کشیده و بر سکوفا گذاشته

بودند از هر یک از غذاها مقداری چشیدیم بسیار خوب طبع شده بود از آنها برای معاینه ناخوشها و بدن اطاق و تخت خواب و رخت خواب های آنها متوجه شدیم اولاً مرضی بمناسبت مرض بنریب ذیل تقسیم و مرتب شده بودند

امراض مسریه - امراض مزاجی - امراض جراحی - شصت و دو مرض را با لباسهای سفید پاکیزه با ترتیب و تقسیم بندی مرتب که در شمال و جنوب وسط آن باغ ساخته اند هر یک نفر بالای یک تخت خواب خوابانیده بودند در تمام اطاقها رعایت کمال نظافت و حفظ الصحه شده و در هر اطاق یک بخاری مینوخت بر ستار های سردانه و زفانه با نهایت دقت و مواظبت برای خدمت محرم مرضی ایستاده بودند از خود مرضی یک بیک احوال پرسیدم همه اظهار رضایت مادی کرده و با حال عجز برای سفادت ملت و مؤسین آن محل از نه قلب بی اختیار دعای نمودند از مها فده ایها هم منصرف شدیم حمام بسیار خوب برای شست و شو موجود بود دیدیم اطاقی معاینه - اطاق زخم - اطاق عمل - دواخانه و بعضی مؤسسات دیگر در نهایت نظافت و تنظیم تهیه و ترتیب شده بود من یقین دارم مرضی هیچ یک از اعضا ن و اجزاء بهتر از مرضی این مریضخانه معالج و پرستاری نمیشود عجب اینکه من کبان کردم این مرضی از متوسلین هستند زیرا ترتیب لباس مریضخانه آنها را به بیمار کی معصوف نمی کرد سوال کردم جواب عملی شدیم مرا آدر اطاقی آوردند که پر بود از نور بهار ها که بدورها آویخته بودند در هر یک از آنها یک مشت آب من باره کثیف بود که جز سوزانیدن بکار دیگری نمیتوانست به کار رود معلوم شد هر یک از آنها لباسی عادی یکی از آن که بزر و رود از بدن آنها کشیده میشود و بعد از خوب شدن وقت خروج با آنها پس داده میشود و حفاظتی کرده خارج شدیم اینک تمام روز احسانات یک چنین مؤسسه نافع را که حقیقتاً عموم مردم در موقع شدت و احتیاج میتوانند ازان منتفع گردند تقدیر کرده و تمام قدر دانی و وسوسین و مدبر آن بایک دنیا علاقه مادی نبریک می گوئیم فی الواقع یککانه ناصحی باشکوهی که از حبت ثابت و تکمیل میآید از کلبه نواصی تاسیسات بلدی را که کرده و مدیریت آن نواصی را از پیش کاه ملت میخواهد همین مؤسسه عالی خواهد بود

این مؤسسه از حبت ترتیب و نظافت بخوبی میآید ثبوت و مستور رشد ملی ما واقع شده و در اینه ما بوجود اشخاص کافی و افکار جوان برای اصلاح کلبه دوازه دولتی امیدوار سازد این نکته را هم بشارت تذکر میدهم چون پیش از ۶۶ تخت خواب در مریضخانه مینور موجود نیست و بواسطه کثرت رجوع مرضی غالباً مایشین اینجا دچار زحمت شده و لایزال از عدم قبول زائد بر آن عده می گردد خوب است اولیای امور بدین مساعدت کرده و عده تخت خواب را بکار بگیرند یا لافلی تا ۸۰ عدد تکمیل نمایند زیرا اکثر مایشین و لوازم اینجا خیلی کم است و در ستار طبایع و دواخانه و چراغ و امثال آنها برای صد یا هشتاد مرضی کافی است و فقط تخت خواب باید تهیه شود اگر این پیشاهاد انجام کرد و امیدواریم اعلای احیاء الدوله رئیس این مریضخانه با خنجر تفاوت مصرفی باز آنجا را به همین ترتیب و تنظیم فعلی اداره کنند

سید محمد تقی بهبهانی

بواسطه تصادف روز طبع روزنامه با سوم حوت و تطبیع مطابع جای جمعه شنبه منتظر شد مطامع برادران باقرزاده

سفر ۱۶

فرمانده - امروز که خوب حته سوار کردی امشب یو رات میخرم
بچه کدا - چشم اما ..
فرمانده - اما چی

بچه کدا - با این هم زندگانی شد که من میکنم

فرمانده - مگر چه میب دارد الا این پوست خزیه بهت خواهم داد

(فرماندهای پوست خزیه از میان کپسه زیر پایی خود میبرون آورده باو میدهد)

بچه کدا - (با دست پوست خزیه را رد میکند -) من پوست خزیه نمیخواهم خود خزیه را هم میل ندارم بخورم تو این یکسال است مرا بسم ای که جادوگری یو خواهم آموخت آورده و هنوز هیچ چیز یاد نداد و همیشه میخوابد پوست خزیه مرا خوشحال کنی من دست از خانواده و پدر و مادر کشیده ام و پیش تو آمده ام

فرمانده - دهه من منده است تو باید این ریاضت ها و ایکنی تا جادوگری بیاموزی مگر شوخی است خودم براه ایکن جادوگری بیاموزم با تو این ریاضت ها را میکنم

بچه کدا - باشد اما من میترسم هفت کن بیوسانم و تو این کار را

من بیاموزی

فرمانده - آئی بکدام یکی آدم

(نقاش مسافر وارد میشود بچه کدا شروع بخوابیدن)

بچه کدا - (با تمام) گدا می من گدا می من گدای بیوایم من

سخنی میبایم من نشان از حال زار من بیگسم بستم با نامم

آقا آقا بول یک کف نان